



قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿١١﴾ وَ
 أُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ
 إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ
 مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿١٤﴾ فَأَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ ۗ قُلْ
 إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾ لَهُمْ مِنْ
 فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ۗ ذَلِكَ يُحَوِّفُ
 اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ ۗ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ﴿١٦﴾ وَ الَّذِينَ اجْتَنَبُوا
 الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَ أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى ۗ
 فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ
 أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أَولَٰئِكَ هُمُ أُولُوا
 الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾ أَفَنْ حَقٌّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ ۗ أَفَأَنْتَ
 تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿١٩﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ
 غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 وَ عَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿٢٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ
 السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ وَ يَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ
 زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ
 حُطَامًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾

بگو: «من مأمورم که خدا را - در حالی که آیینم را برای او خالص گردانیده‌ام -

بپرستم. ﴿۱۱﴾

و مأمورم که نخستین کسی باشم که فرمان خدا را گردن نهاده است.﴾ ﴿۱۲﴾

بگو: «من اگر به پروردگارم عصیان ورزم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم.﴾ ﴿۱۳﴾

بگو: «من تنها خدا را می‌پرستم، در حالی که دینم را برای او خالص می‌کنم.﴾ ﴿۱۴﴾

پس هر چه را غیر او می‌خواهید بپرستید؛ [ولی به آنها] بگو زیانکاران واقعی کسانی هستند که خود و بستگانشان را در روز قیامت به زیان انداخته‌اند [و موجب هلاکت

و شقاوت خود و آنها شده‌اند]، آگاه باشید که زیان آشکار همین است. ﴿۱۵﴾

برای آنان از بالای سرشان پوشش‌هایی از آتش، و در زیر بایشان نیز پوشش‌هایی از آتش است؛ این [کیفری] است که خداوند با آن، بندگان را بیم می‌دهد؛ ای بندگان

من! از نافرمانی من بپرهیزید! ﴿۱۶﴾

[اما] آنان که از پرستش طاغوت دوری گزیده و به سوی خدا باز گشته‌اند، بشارت

از آن آنهاست، پس بشارت ده به بندگان من ﴿۱۷﴾

همان‌هایی که به سخن‌ها گوش می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، آنان هستند

که خدا هدایتشان کرده و اینانند خردمندان ﴿۱۸﴾

آیا آن کس را که فرمان عذاب برای او قطعی شده است، می‌توانی از آتش نجات

دهی؟ ﴿۱۹﴾

ولی کسانی که تقوای الهی پیشه کردند، برای ایشان غرفه‌هایی است که بالای

آنها غرفه‌هایی [دیگر] بنا شده است [و] نهرها از زیر آن روان است. [این] وعده

خداست [و] خدا خلاف وعده نمی‌کند. ﴿۲۰﴾

آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرستاد؛ پس آن را به چشمه‌هایی که در [دل] زمین

است راه داد، آنگاه به وسیله آن، کشتزاری را که رنگ‌های آن گوناگون است بیرون

می‌آورد، سپس آن کشتزار خشک می‌گردد، آنگاه آن را زرد می‌بینی، سپس خاشاکش

می‌گرداند. قطعاً در این [دگرگونی‌ها] برای صاحبان خرد عبرتی است. ﴿۲۱﴾



فقط برای تو

بگو همانا نماز و عبادت‌هایم و زندگی و مرگم فقط برای خداست که پروردگار جهانیان است^۱.
در درس گذشته با سبک زندگی توحیدی و نیز آثار سوء شرک در زندگی آشنا شدیم. اکنون شایسته است بدانیم چگونه می‌توان به سوی پرستش خالصانه این خدای بی‌همتا گام نهاد و یک زندگی توحیدی را تجربه نمود و اندیشه و قلب و عمل را برای او قرار داد و آن‌گونه که خداوند می‌پسندد، زندگی کرد.

۱- قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، (سوره انعام، آیه ۱۶۲).

خدای بی نیاز که جز کمال و سعادت بندگانش را نمی خواهد، در کلامی به پیامبر می فرماید :

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ...^۱

در آیاتی دیگر می فرماید :

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ * وَانِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ.^۲

با تفکر در این آیات توضیح دهید که :

- ۱- مقصود از قیام گروهی و قیام فردی چیست؟ برای هر کدام نمونه‌هایی ذکر کنید.
- ۲- آیا میان عبارت «ان اعبدونی» و «ان تقوموا لله» رابطه‌ای می بینید؟ توضیح دهید.

قبلاً آموختیم که هدف خلقت انسان تقرب به خداست و این تقرب بدون تلاش خود انسان به دست نمی آید. انسان، همواره بر سر دوراهی بندگی خداوند و بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و زندگی، صحنه انتخاب یکی از این دو راه است. آن کس که راه توحید را برمی‌گزیند و در پی آن اندیشه و دل و عمل خویش را برای رضای حضرت دوست قرار می‌دهد، خطراتی او را تهدید می‌کند و احتمال انحراف از توحید برای او هست. در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است که راهیابی شرک به دل انسان از راه رفتن مورچه‌ای سیاه در شب تاریک بر تخته سنگی سیاه پنهان تر است.^۳

۱- سوره سبأ، آیه ۴۶.

۲- سوره بقره، آیات ۶۰ و ۶۱.

۳- الدر المنثور، سیوطی، ج ۲، ص ۳۱.

پس باید ببینیم چگونه از حریم دل پاسبانی کنیم تا آفت شرک به آن راه نیابد و عمل ما خالص برای خداوند انجام شود.

پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب تا در این پرده جز اندیشهٔ او نگذارم^۱

اخلاص در بندگی

اخلاص به معنی خالص کردن و پاک کردن یک چیز از غیر آن است. این کلمه در کاربرد دینی بدین معناست که شخص عملش را فقط برای رضای خداوند و همان‌گونه که او دستور داده است، انجام دهد. در اسلام اخلاص شرط قبولی تمامی اعمالی است که فرد به درگاه خداوند عرضه می‌دارد.

اخلاص مانند دوست داشتن، سخاوت و شجاعت درجات و مراتبی دارد. همان‌گونه که در ارزش‌گذاری طلا، عیار یا درصد خلوص آن اهمیت دارد، اعمال انسان نیز هرچه با اخلاص بالاتری همراه باشد، ارزش بیشتری دارد. مهم این است که انسان تلاش کند تا عمل خود را روز به روز برای خداوند خالص‌تر گرداند. بر همین اساس پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«مؤمنان، با توجه به مراتب اخلاصشان، بر یکدیگر برتری پیدا می‌کنند.»^۲

توجه کنیم که هر عملی از دو جزء تشکیل شده است؛ اول نیت که به آن هدف یا قصد نیز می‌گوییم. دوم: شکل و ظاهر عمل.

قصد و نیت به منزلهٔ روح عمل است و شکل عمل نیز در حکم بدن و کالبد آن روح می‌باشد. بنابراین، عمل بدون نیت، کالبد بی‌جانی بیش نیست. به همین جهت رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ^۳ نیت مؤمن از عمل او برتر است.

و نیز به خاطر همین جایگاه مهم و ارزشمند نیت است که ایشان فرمود:

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ^۴ همانا اعمال انسان وابسته به نیت‌های اوست.

۱- غزلیات، حافظ، غزل شمارهٔ ۳۲۴.

۲- «بِإِخْلَاصٍ تَنْفَاضُ مَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ» میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۱، ص ۷۵۴.

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۸۴.

۴- بحار الانوار، مجلسی، ج ۶۷، ص ۲۱۱.

امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید :

فَاعِلُ الْخَيْرِ، خَيْرٌ مِنْهُ؛ وَ فَاعِلُ الشَّرِّ، شَرٌّ مِنْهُ.^۱

در این سخن حکیمانه تفکر کنید و رابطه آن را با اخلاص توضیح دهید.

انسان مؤمن، علاوه بر اینکه می کوشد نیت خود را خالص کند و عمل را به خاطر خدا انجام دهد، تلاش می کند عمل را به همان صورت که خداوند دستور داده است، انجام دهد؛ یعنی عمل را از جهت کمیت، کیفیت، زمان، مکان و شیوه همان طوری انجام دهد که خداوند می خواهد؛ مثلاً اگر خداوند امر فرموده که نماز صبح در دو رکعت و با یک رکوع و دو سجده در هر رکعت و قبل از طلوع آفتاب انجام شود، انسان مؤمن نیز تلاش می کند نماز خود را به همین صورت انجام دهد تا صحیح و درست انجام داده باشد.

پس در هر عملی باید دو «حُسن» موجود باشد: حُسن فاعلی و حُسن فعلی. حسن فاعلی بدین معناست که انجام دهنده کار، دارای نیت الهی باشد. حسن فعلی نیز بدین معناست که کار به درستی و به همان صورت که خداوند فرمان داده است انجام شود.

تطبیق

با توجه به تعریف بالا از حُسن فاعلی و حُسن فعلی، موارد زیر را بررسی کنید :

۱- آیا ممکن است عملی دارای حُسن فعلی باشد اما حُسن فاعلی نداشته باشد؟ و یا برعکس،

حُسن فعلی نداشته باشد ولی دارای حُسن فاعلی باشد؟ مثال بزنید.

۲- اگر فردی تنها برای لاغر شدن و یا سلامت جسم روزه بگیرد روزه اش درست است؟

۳- اگر کسی به نیت شرکت در نماز جماعت مسجد از منزل بیرون بیاید و به دلیل مانعی نتواند

به مسجد برسد، آیا نزد خدا پاداش دارد؟ به چه دلیل؟ در این کار کدام یک از اقسام حُسن وجود

دارد؟

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۲.

با توجه به اینکه ریا در مقابل اخلاص قرار می‌گیرد، بررسی کنید که هر یک از موارد زیر مصداق ریا قرار می‌گیرد یا مصداق اخلاص؟

- ۱- حضور در نماز جماعت
- ۲- کمک به افراد نیازمند در حضور دیگران

راه‌های تقویت اخلاص

برای تقویت اخلاص در وجود خود راه‌هایی وجود دارد که چند مورد از آن را در اینجا می‌آوریم:

۱- افزایش معرفت و شناخت نسبت به خداوند: پیوند محکمی میان معرفت به خداوند و ایمان به او وجود دارد. همچنین ارتباط دقیقی میان ایمان به خدا و اخلاص برقرار است. بنابراین، هر قدر که معرفت ما به خداوند بیشتر شود به افزایش درجه اخلاص کمک خواهد کرد. پس خوب است ساعاتی را صرف تفکر در آیات و نشانه‌های الهی کنیم تا بیشتر دریابیم که:

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار^۱

البته اگر کسی گرفتار غفلت شد و چشم اندیشه را به روی جهان بست، آیات الهی را نخواهد یافت و دل به مهر او نخواهد داد.

مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات جهان هر دو عالم پُر ز نور و دیده نابینا، چه سود^۲

توجه به یک نکته مهم

عمل بر اساس معرفت و آگاهی بسیار ارزشمندتر و مقدس‌تر از عملی است که در آن معرفتی نیست و یا با معرفت اندکی صورت می‌گیرد. نمازی که با معرفت انجام بگیرد، نزد خداوند بسیار ارزشمندتر از نمازی است که به جا آورنده آن نمی‌داند چه می‌گوید و برای چه می‌گوید. حتی گاه پیش می‌آید که انسان‌های نادان به تصور اینکه کار خیر می‌کنند، مرتکب گناهان بزرگ می‌شوند.

۱- سعدی، مواظظ، قصیده شماره ۲۵.

۲- گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

در جنگ صفین، وقتی امام علی علیه السلام در آستانه پیروزی بر معاویه قرار گرفت و شکست لشکر معاویه قطعی شده بود، معاویه با پیشنهاد عمرو عاص به لشکر یانش دستور داد که قرآن‌ها را بر سر نیزه کنند و فریاد بزنند که ما هر دو گروه مسلمانیم و باید قرآن میان ما و شما داور باشد.

تعداد زیادی از لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام، فریب این نیرنگ را خوردند و حاضر به پیکار با معاویه نشدند و پیروزی حتمی را از دست دادند و امام را وادار به تسلیم و سپس قرارداد صلح با معاویه کردند. این کار مسیر تاریخ اسلام را عوض کرد و سبب شد که ده‌ها سال حکومت اسلامی به دست بنی‌امیه بیفتد و به جای حکومت عدالت، ظالمین بر مسلمانان حاکم شوند.

در سال‌های اخیر، وقتی نهضت بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان خاورمیانه و شمال آفریقا آغاز شد و مسلمانان برای آزادی از حکومت‌های مستبد و تابع غرب قیام کردند، سازمان‌های مخفی در آمریکا و اروپا و برخی حاکمان کشورهای اسلامی، یک جریان افراطی و انحرافی را که افکاری بسیار مخرب داشتند وارد قیام مسلمانان کردند. آنان نیز توانستند بسیاری از جوانانی را که فقط تعصب دینی داشتند اما از معرفت صحیح دینی بی‌بهره بودند، به سوی خود جذب کنند و با استفاده از این نیروهای با انگیزه، اما ناآگاه، جهت مبارزه را تغییر دهند و به جای مبارزه با دشمنان به کشتن مسلمانان در جهان اسلام پردازند؛ در نتیجه، بسیاری از سرزمین‌های اسلامی در این جنگ‌ها و کشمکش‌ها به ویرانه تبدیل شد. رسانه‌های کشورهای استعماری هم از این فرصت استفاده کردند و خشونت‌های آنان را به نام اسلام در دنیا پخش نمودند، به طوری که تا امروزه بسیاری از مردم جهان وقتی نام اسلام را می‌شنوند آن را با سر بریدن، ویران کردن و جاهلیت مساوی می‌پندارند.

۲- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او: نیایش و عرض نیاز به پیشگاه خداوند و یاری جستن از او برای رسیدن به اخلاص، غفلت از خداوند را کم می‌کند، محبت او را در قلب تقویت می‌سازد و انسان را از کمک‌های الهی بهره‌مند می‌نماید.

۳- دوری از گناه و تلاش برای انجام واجبات: گناه، ریشه درخت اخلاص و بندگی را می‌سوزاند و آن را به تدریج از بین می‌برد، به همین جهت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«تمام اخلاص در دوری از گناهان جمع شده است.»^۱

۱- «تَمَامُ الْإِخْلَاصِ تَجَنُّبُ الْمَعَاصِي» کنزالفوائد، محمدبن علی کراچکی، ج ۱، ص ۲۷۹.

از طرف دیگر، ترک گناه و توجه به واجبات و اطاعت از خداوند، درخت اخلاص را آبیاری می‌کند و رشد می‌دهد. در میان اعمال واجب، روزه تأثیر خاصی در تقویت اخلاص دارد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند بدان جهت روزه را واجب کرد تا اخلاص مردم را بیازماید.»^۱

میوه‌های درخت اخلاص

۱- دستیابی به درجاتی از حکمت: به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطاست که هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می‌دهد و مانع لغزش‌ها و تباهی‌ها می‌شود. انسان حکیم، به درجاتی از بصیرت و روشن بینی می‌رسد که می‌تواند در شرایط سخت و پیچیده، حق را از باطل تشخیص دهد و گرفتار باطل نشود.^۲ خداوند در قرآن کریم، علاوه بر آنکه لقمان را به داشتن حکمت، توصیف کرده، سفارش‌های ارزنده و حکیمانه‌ای از ایشان نقل کرده است.^۳

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«هرکس چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، چشمه‌های حکمت و معرفت از دل و زبانش جاری خواهد شد.»^۴

۲- نفوذناپذیری در برابر وسوسه‌های شیطان: اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد؛ چراکه شیطان، خود اقرار کرده است که توانایی فریب دادن مؤمنان با اخلاص را ندارد.^۵

برو این دام بر مرغی دگر نه
که عنقا را بلند است آشیانه^۶

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۲- امیرالمؤمنین علی علیه السلام: عِنْدَ تَحَقُّقِ الْاِخْلَاصِ تَسْتَنْبِرُ الْبَصَائِرُ؛ به هنگام تحقق اخلاص، چشم بصیرت انسان، روشنی می‌گیرد. غُررالحِکْم، آمدی، حدیث ۶۲۱۱.

۳- سوره لقمان، آیه ۱۲.

۴- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۳.

۵- سوره حجر، آیه ۴۰ و سوره ص، آیه ۸۳.

۶- غزلیات، حافظ، غزل شماره ۴۲۸.

یکی از اوصافی که خداوند در قرآن برای حضرت یوسف علیه السلام ذکر کرده، داشتن اخلاص و رسیدن به مقام مخلصین است.^۱

با بررسی آیات ۳۲ و ۳۳ سوره یوسف بگویید شیطان چه دامی برای حضرت یوسف علیه السلام گسترده بود و او چگونه توانست از این دام نجات یابد؟

شیطان امروزه نیز، از همان نوع دامی که برای کشاندن حضرت یوسف علیه السلام به گناه و فساد گسترده بود، به صورت‌های گوناگون برای انسان‌ها پهن کرده است تا هوس زودگذر آنها را تحریک کند و به گناه بکشاند و آنان را از بهشت جاویدان محروم سازد. فیلم‌ها، وبگاه‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای گمراه‌کننده، شبکه‌های مجازی ناسالم و گروه‌ها و دسته‌های منحرف اجتماعی از جمله این دام‌هاست که مقاومت در برابر آنها نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان‌های اوست. کسی که در چنین دام‌هایی گرفتار شود، هم زندگی پاک و با نشاط دنیا را از دست خواهد داد و هم حیات سرشار از شادکامی آخرت را.

۳- دریافت پاداش‌های وصف نشدنی: بندگی خالصانه خداوند پاداش‌هایی دارد که چه بسا در ذهن ما ننگند و از تصوّر و تخیل ما فراتر رود.

از جمله این پاداش‌های وصف‌نشدنی، دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه کسی است که بنا به تعبیر امیرمؤمنان، «نهایت آرزوی عارفان، دوست دل‌های صادقان، ولی مؤمنان و معبود عالمیان است.»^۲

کافی است به زندگی زیبای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر پیشوایان خود نظر بیفکنیم و ببینیم که چگونه از راه بندگی خالصانه خدا، این همه خوبی و زیبایی و آن مقام قرب و نزدیکی به محبوب را به دست آورده‌اند.

۱- سوره یوسف، آیه ۲۴.

۲- دعای کمیل.

بندگی کن تا که سلطنت کنند
همچو سلمان در مسلمانی بکوش
خوی حیوانی سزاوار تو نیست
چون نداری درد، درمان هم خواه
بندۀ شیطانی و داری امید
تن رها کن تا همه جانت کنند
ای مسلمان تا که سلامت کنند
ترک این خو کن که انسانت کنند
درد پیدا کن که درمانت کنند
که ستایش همچو یزدانت کنند؟